

## نقد و معرفی کتاب:

### «انتخاب عقلانی و مطالعات امنیتی، استفن والت و منتقدانش»

نبی الله ابراهیمی \*

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱۰/۲۸)

#### چکیده:

نقد و ارزیابی کتاب «انتخاب عقلانی و مطالعات امنیتی، استفن والت و منتقدانش»، نوشته براون اون، لین جوز و میلر در واقع در واقع کندوکاوی برای شناخت مطالعات امنیتی در روابط بین‌الملل است. به عبارتی، بررسی رهیافت انتخاب عقلانی والت و مدل صوری - ریاضی می‌تواند ما را به ارائه بدیلی روشن در روش شناسی مطالعات امنیتی کمک نماید. این نقد و ارزیابی به‌طور کلی به مقالات انتقادی علیه روش غیر صوری - تجربی والت اشاره می‌کند و سپس پاسخ‌های والت در این باب را نشان می‌دهد و در نهایت به ارزیابی و نقد کلی کتاب و دفاع از روش‌شناسی متکثر در حوزه مطالعات امنیتی روابط بین‌الملل می‌پردازد.

#### واژگان کلیدی:

انتخاب عقلانی - مدل صوری - تکثر روش‌شناسی - مطالعات امنیتی

کتاب مزبور دربرگیرنده مناظره‌ای در باب نقش رویکردهای انتخاب عقلانی به‌ویژه مدل‌های ریاضی / صوری در حوزه مطالعات امنیتی بین‌المللی است. این کتاب ابتدا به صورت مقالاتی در باب مطالعات امنیتی در سال ۱۹۹۹ منتشر شد. استفن والت در مناظره‌ای درباره «جدیت و جمود مرگ» (Rigor or Rigor Mortis) مبحث انتخاب عقلانی و مطالعات امنیتی را در نشریه بهار ۱۹۹۹ مطرح کرد. بحث والت نقدی گسترده از مدل صوری و روش‌های انتخاب عقلانی در مطالعات امنیتی را دربرمی‌گرفت.

این نقد، نویسندگانی همچون براس بونودومسکوئیا (Bruce Bueno de Mesquita)، جیمز مورو (James Morrow)، لیزا مارتین (Lisa Martin)، امرسون نیو (Emerson Niou)، پیترو دشوک (Peter deshook)، روبرت پاول (Robert Powell) و فرانک زاگار (Frank Zagar) را به پاسخ‌گویی به نقد وی واداشت. البته والت نیز در پاسخ به این نقدها آرام ننشست و جواب نقدها را داد. این کتاب هم به طور کلی جمع‌آوری مقاله‌ی والت، انتقادهای وارده به این مقاله و سرانجام پاسخ‌نهایی والت است.

بسیاری از پژوهشگران هم‌چنان از مدل‌های انتخاب عقلانی شامل تئوری بازی‌ها و الگوهای ریاضی صوری پیچیده در اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و دیگر حوزه‌ها بهره می‌برند. پژوهشگران مزبور به‌طور کلی بر این نکته متفق‌القولند که رأی‌دهندگان، رهبران قانونگذاری و دولت - ملت‌ها، همگی به نوعی به دستیابی به کنش عقلانی و چگونگی رفتار کنشگران در موقعیت‌های متفاوت توجه دارند.

در علوم سیاسی، مدل صوری به‌طور برجسته‌تر در حوزه سیاستگذاری آمریکایی قرار دارد. مدل انتخاب عقلانی در بخشی از مطالعات دانشگاهی علم سیاست از ۱۹۵۰ پذیرفته شد و در سال‌های اخیر رشدی بی‌سابقه یافته است. نخبگان واحدهای دانشگاهی، تئوری‌های بازی و دیگر مدل‌های صوری را نوعی پیشرفت حرفه‌ای در حوزه سیاستگذاری و مطالعات امنیتی قلمداد می‌کنند. این مدل که بر رویکردهای انتخاب عقلانی تاکید می‌کند بر این باور است که تکنیک‌های مدل مزبور به‌طور ذاتی علمی‌تر از دیگر رویکردهای تحلیلی است و استدلال دارند که استفاده از مدل مزبور رویه‌ای عمده را در توسعه مباحث نظری در پی داشته است.

والت در شرح تئوری صوری می‌نویسد که «تئوری انتخاب عقلانی صوری» بیشتر به روش ساخت تئوری اشارت دارد تا محتوای نظری‌اش. این مدل به استفاده مدل‌های ریاضی اشاره می‌کند که گزاره‌ها از مجموعه مقدمات اساسی و اولیه شروع می‌شود و با کمک گرفتن از ریاضیات به یک انسجام عقلانی میان گزاره‌ها می‌انجامد و می‌تواند احتمالاً از خطاهایی که آینده‌ای مبهم را با استفاده از زبان عادی ایجاد کند، جلوگیری نماید.

والت توضیح می‌دهد که تئوری انتخاب عقلانی صوری در واقع نوعی عزم رفتاری درباره بخش کنشگران اجتماعی (مثلاً کنشگر عقلانی) است. در مطالعات امنیتی، تئوری بازی، مجموعه تکنیک‌هایی جهت تحلیل تصمیمات افراد است. به عبارتی، هر جا که بازده یادگیری به رویکردهای تئوری تصمیم‌گیری بستگی داشته باشد، در آن، افزایش بهره‌وری فردی علیه محیط عدم محاسبه تحلیل می‌شود. به هر حال دانش پژوهان از آن جهت از مدل صوری استفاده می‌کنند که آن را نسبت به مدل‌های دیگر که بر تحلیل ایده‌ها، هنجارها و عقاید تأکید دارند، ترجیح می‌دهند. تئوری بازی‌ها که کاربرد طولانی در بازدارندگی، بحران بزرگ و همکاری بین‌المللی داشته در مطالعات امنیتی سال‌های اخیر برجسته شده است. البته دانشمندانی که از مدل‌های دیگر استفاده می‌کنند رویکرد فوق‌الذکر را از دو جهت مورد نقد قرار می‌دهند؛ نخست دانشمندانی که از این مدل استفاده می‌کنند و دوم این که انتخاب عقلانی و مدل‌های صوری نتوانسته به خوبی واقعیت‌های کنش سیاسی را بررسی نماید. مجموع معادلات نمی‌توانند جانشینی برای فهم دقیق مثلاً تاریخ و فرهنگ کشوری بشوند. مدل انتخاب عقلانی صوری در برابر رویکردهای غیرواقع‌گرایانه مثلاً انگیزه کنشگران قرار می‌گیرد.

استفن والت در مقاله نخست بنام «جدیت و جمود مرگ»، بحث می‌کند که کاربردهای اخیر نظریه بازیگر عقلانی با فرضیه‌ها و بینش‌های ضعیف درباره مسائل معاصر و مطالعات امنیتی همراه بوده است. او استدلال می‌کند که آخرین موج مجموعه فوق به طور فنی، نظریه‌پردازی صوری ریاضی، به‌طور کافی نتوانسته فهم ما را از امنیت بین‌المللی توسعه دهد. والت می‌نویسد: مناظره فوق درباره تشخیص رویکردهای انتخاب عقلانی با کاربردهای مهم نه تنها برای زندگی دانش‌پژوهان بلکه در جهت آینده علوم سیاسی به مثابه یک نظم، مفید خواهد بود. طبق نظر والت، انتخاب رویکرد عقلانی پنج ویژگی بارز دارد: ۱- نظریه انتخاب عقلانی فرض می‌کند که پیامدهای سیاسی و اجتماعی در پی کنش بازیگران شکل می‌گیرد؛ ۲- نظریه فوق مشخص می‌کند که هر کنشگر به دنبال حداکثرسازی مطلوبیت قابل پیش‌بینی خویش است؛ ۳- بایستی قادر باشیم اولویت‌ها را در مرتبه نظم قرار دهیم، اولویت‌های هر کنشگر در تصمیم‌گیری مهم است؛ ۴- نظریه‌های صوری مشخص می‌کند که ساختار بازی - (شناسایی مجموعه بازیگران) - بایستی براساس اولویت‌ها، اطلاعات و این که چطور آنها می‌توانند به نتیجه برسند؛ ۵- نظریه‌های انتخاب عقلانی تعادل در بازی‌ها، موقعیت‌هایی را بوجود می‌آورد که هیچ بازیگری نتواند به طور یکجانبه اهداف خود را در پیش گیرد.

هر چند برخی نظریه‌های عقلانی صوری ممکن است با کل این ویژگی‌ها منطبق شود، والت اظهار می‌دارد که انتخاب عقلانی به نحو مقتضی کاربردهایی جدید در مطالعات امنیتی روابط بین‌المللی هم داشته است. استفن والت استدلال می‌کند که باید از سه معیار استفاده شود

تا بتوان به قضاوت درباره نظریه‌های انتخاب عقلانی و کل نظریه‌های علوم اجتماعی دست یابیم: ۱- سازگاری و ثبات منطقی و دقیق؛ ۲- نوآوری؛ ۳- اعتبار تجربی. او تأکیدی ویژه حول نیاز به توسعه نظریه‌های که شناخت آشکار و دقیق درباره شرایط انسانی تولید می‌کنند، دارد.

سپس تأکید می‌کند که چگونه الگوهای انسانی انتخاب عقلانی با این سه معیار منطبق می‌شوند. والت استدلال می‌کند که الگوهای عقلانی می‌توانند در ایجاد نظریه‌ها به طور منطقی، سازگار و دقیق کمک کنند. ولی به طور الزامی آنها را نسبت به دیگر نظریه‌ها ارجح نمی‌داند. والت بحث می‌کند که نظریه‌ها می‌توانند در بالا بردن دانش به طور منطقی و دقیق مفید باشند، حتی نظریه‌های مانند نواقع‌گرایی کنت والتز که ناسازگاری مشهود در آن دیده می‌شود، ولی می‌تواند محرکی مؤثر برای دانش پژوهان به حساب آید. ولی والت استدلال می‌کند که انتخاب عقلانی صوری در مطالعات امنیتی اغلب در معیار نوآوری شکست خورده است چرا که این رویکرد، خلاق و بدیع نیست.

کاربرد مدل رسمی مزبور در مطالعات امنیتی، نظریه‌های جدید و یا فرضیه‌های نوین بوجود نیآورده است. والت با این رویکرد دست و پنجه نرم می‌کند و نشان می‌دهد که فقدان نوآوری، کاستی‌های الگوی فوق را محرز می‌کند: ۱- رویکرد انتخاب عقلانی بیش از حد بر منطق ریاضی تأکید دارد. برای مثال الگوی صوری نشان می‌دهند که دولت‌ها بحران را از آن جهت شروع نمی‌کنند که طرف مقابلشان دارای برتری نظامی است و دولت‌هایی که از جنگ سود می‌برند به طور محتمل‌تر جنگ را آغاز می‌کنند. و یا دولت‌ها اتحادها را به منظور تقویت امنیت خودشان شکل می‌دهند و غیره... کل این یافته‌ها از طریق الگوی صوری و ریاضی به‌ندرت پژوهشگران را شگفت‌زده کرده است؛ ۲- اغلب الگوهای صوری مثل «مشروبات کهنه در ظرف‌های جدید» هستند، به عبارتی بحث‌های قدیمی را در لفافه جدید بیان می‌دارند. مثلاً استدلال‌های کهنه درباره تأثیرات مضر بی‌نظمی و پنهان کاری در سیاست بین‌الملل.

والت اذعان دارد رویکردهای صوری منجر به برخی بینش‌هایی نوین شامل گزاره‌هایی درباره بازدارندگی، مسابقه تسلیحاتی و اتحاد - همکاری شده است، ولی رویکردهای غیرصوری حداقل ثمره تولیدات نظریه‌ها و فرضیه‌های جدید بوده‌اند. الگوهای صوری از نظر والت یکی از عوامل دلسردکننده پژوهشگران در خلاقیت و نوآوری است چرا که مدل مزبور با تحلیل‌ها و تحقیقات دلسردکننده همراه با معادلات ریاضی و معماهای تجربی عینی می‌باشد. والت متذکر می‌شود که مثلاً تئوری بازدارندگی ریشه‌هایش در الگوهای صوری نیست، بلکه به تحلیل‌های تجربی و مبادرت به حل معمای سیاسی ایالت متحده آمریکا در ۱۹۵۰ اشارت دارد.

در باب معیار سوم یعنی اعتبار تجربی، والت استدلال می‌کند که آثار رسمی در مطالعات امنیتی مبتنی بر آزمایش‌های تجربی‌اند، بنابراین فقدان حمایت تجربی برای نتایج نظری آنها به شکست منتهی شده است. در بسیاری موارد نتایج رسمی، بر الگوی تقلید ریاضی و داستانی تکیه دارند. والت دو آثار برجسته یکی «بورس بونودو ماسکوتیا و دیوید لال من» (در باب جنگ و خرد)، و دیگری «امرسون نیو و پیتر اردشوک و جورج روز» (تعادل قدرت، دو نقطه میانی ثبات در نظام بین‌المللی) را بررسی می‌کند. والت استدلال می‌کند که تجزیه و تحلیل‌های آماری در مطالعات موردی در «جنگ و خرد» آزمون‌های سختی نیستند، بوئن، لال من و موسکوتیا بر شاخص‌هایی تکیه دارند که بر مفاهیمی مانند تمایل و خطر، سودمندی و عدم قطعیت استوار است که در واقع ارزیابی دقیقی نمی‌تواند برای متغیرهای کلیدی محسوب شود. والت استدلال می‌کند که مورد مطالعاتی در «جنگ و خرد» نمی‌تواند شواهدی قانع‌کننده درباره قابلیت‌های پیش‌بینی‌کننده مدل‌سازان ارائه دهد. والت استدلال می‌کند که دو ماسکوتیا و لال من، مثال‌هایی را درباره رویارویی ترکیه و یونان بر سر قبرس و جنگ هند و چین ارائه می‌دهد که اغلب با پیش‌بینی‌های الگوی آنها تناقض دارد. والت متذکر می‌شود که توازن قدرت طبق مدل صوری، علی‌رغم قابلیت بسیار آنها که بیان، آشکار محدودیت‌های الگو و برخی پیش‌بینی‌های ضد حدسی و ضد شهودی را شامل می‌شود، به شکست انجامیده است. نیو، اردشوک و روز معتقدند که دولت‌ها به طور قطع تصمیمات خود را در جهان واقعی می‌گیرند. در این راستا، دانشمندان فوق استدلال می‌کند که در باب «خرد و جنگ» طبق الگوی صوری برای مثال، دولت‌ها داوطلبانه منابع خود را به دیگر دولت‌ها برای ایجاد سامانه بین‌المللی با ثبات‌تر انتقال می‌دهند ولی والت استدلال می‌کند که دولت‌های واقعی به ندرت منابع خود را داوطلبانه انتقال می‌دهند. والت نتیجه‌گیری می‌کند که رویکردهای عقلانی صوری در باب مطالعات امنیتی به‌طور ذاتی عملی‌تر و ارزشمندتر از رویکردهای دیگر نیست. او می‌گوید که رویکردهای صوری ممکن است دقت و انسجام نظری را افزایش دهند ولی آنها نمی‌توانند نظریه‌هایی نوین، خلاق و قدرتمند ارائه دهند، چون وقتی که پژوهشگران آزمایش تجربی را با کمک نظریه‌های صوری ارائه می‌دهند، شواهد اغلب از تناقض‌های آنان با پیش‌بینی‌های مدل آنها حکایت دارد.

والث همچنین هشدار می‌دهد که افزایش رویکردهای صوری می‌تواند توانایی مطالعات امنیتی واقعی را به خاطر بیندازد، چرا که آنها کمتر به مسائل امنیتی واقعی جهان می‌پردازند. پس افزایش استفاده از رویکرد صوری خود می‌تواند نوعی تعلق و مناسک نامربوط را در مطالعات امنیتی بوجود آورد.

نظریه‌های صوری طبق نظر والت بیشتر الگوهای فنی ارائه می‌دهند و رویکرد تاریخی و سیاسی را کاملاً به حاشیه رانده‌اند که خود این معضلی برای مطالعات امنیتی محسوب می‌شود. استفن والت استدلال می‌کند که مطالعات امنیتی بایستی، تکثرگرایی روش‌شناسی را دربرگیرد و به نظریه انتخاب عقلانی نبایستی اجازه تسلط بر حوزه را داد. دانشمندان بایستی دنباله‌روی از مجموعه‌های روش‌های متفاوت شامل نظریه صوری، تحلیل ریاضی، مطالعات موردی تاریخی و تحلیل تفسیری و سازه‌نگارانه را پیگیری نمایند.

اگر حوزه مطالعات امنیتی تمایز روش‌شناسی و فکری خودش را حفظ نماید آنگاه می‌تواند به حل مشکلات امنیتی جهان واقع پردازد.

در بخش بعدی این کتاب، مقاله‌ای تحت عنوان «تفکیک کل ثروت عقاید»، «بونو دوماسکوتیا و جیمز مورو» از رویکردهای انتخاب عقلانی صوری در برابر انتقادات والت دفاع می‌کنند. آنها استدلال می‌نمایند که انسجام منطقی، مهم‌ترین معیار جهت ارزیابی نظریه است. وقتی نظریه‌ها به‌طور منطقی نامنسجمند و عملاً هیچ فرضیه‌ای را نمی‌توان با نتیجه‌گیری هم‌نوا ساخت، آزمایش تجربی نیز غیرممکن می‌شود. به‌طور منطقی، عدم انسجام نظریه‌ها همچنین نمی‌تواند پیشنهادها سیاسی مفید ارائه دهد. در این مقاله، قدرت دانشمندان در الگوهای صوری در مواجهه با کاهش و عدم انسجام منطقی در نظریه‌هایشان نیازمند سه معیار می‌باشند: ۱- نیازمند فرضیه‌های آشکار باشند ۲- کاهش تناقض‌های آشکار با مشخص کردن شرایط جهت نتایج متفاوت؛ ۳- هماهنگی قواعد تجربی در چارچوب منطق یکپارچه. دوماسکوتیا و بونو مثال‌هایی را در همین رابطه در مقاله‌شان آورده‌اند. ماسکوتیا، بونو همچنین استدلال می‌کنند که الگوهای صوری بینش‌های اصلی و اولیه بسیار بوجود می‌آورند که نتایج خلاق آنها در مقاله والت مورد غفلت قرار گرفته است. نتایج به دست آمده از الگوهای صوری از منظر این دو شخص، می‌تواند به گسترش بینش‌های پذیرفته شده و در عین حال دربرگرفتن حتی تحلیل‌های غیررسمی منجر شود. خلاصه آنها استدلال می‌کنند که «جنگ و خرد»، دربرگیرنده گزاره‌های خلاق و برخی آزمایش‌های تجربی است. بحث والت در مورد موافقت با اعمال سیاست‌گذاری عمومی در علوم اجتماعی، بونو ماسکوتیا مورد را واداشته تا استدلال کند که الگوهای صوری می‌توانند در یک دانش آشکار و مشهود سیاست‌گذاری سهیم باشند. آنها مدل «سودمندی پیش‌بینی شده» را به مثابه مثالی که بتواند چگونگی و ابزار عملی جهت پیشنهاد سیاست‌گذاری مفید باشد، را ارائه می‌دهند. آنها معتقدند سازمان اطلاعات مرکزی و دیگر کارگزاران دولتی آمریکا از این مدل استفاده می‌کنند. در مقاله بعدی «مشارکت انتخاب عقلانی» دفاعی از تکثرگرایی، «اینرا مارتین» استدلال می‌کند که همانند یک مصرف‌کننده (به یک تولیدکننده تئوری صوری، اعتقاد ندارد چرا که این رویه مطالعات امنیتی را به‌طور جدی به

استحاله خواهد برد). اگر یافته‌های صوری دلسرد کننده شوند گفته والت در مورد عدم تکرار را تقویت می‌کند، مارتین عقیده دارد که مقاله او، به طور حداکثری به گفته‌های تلویحی در باب محدودیت استفاده از الگوهای صوری در مطالعات امنیتی اشاره دارد.

مارتین سه مبحث را در پاسخ به والت ارائه می‌دهد: ۱- او جواب می‌دهد که بحث والت درباره اینکه چگونه رویکردهای صوری، بعضی اوقات قابلیت خوبی دارند و قادرند مجموعه‌ای منسجم را به‌طور منطقی و یکپارچه در باب گزاره‌ها تولید کنند، کافی نظر نمی‌رسد. در نگرش او، والت به این دلیل از الگو صوری دلسرد شده است که تمرکز بیش از حد بر نوآوری دارد. صوری کردن نظریه‌های علوم اجتماعی، شامل مجموعه‌ای مؤثر از گزاره‌های مرتبط، قادر نیست دانش پژوهان را برای ترکیب فرضیه‌ها، آن هم به روش منسجم و منطقی یاری دهد؛ ۲- مارتین استدلال می‌کند صوری کردن بینش‌های انتخاب غیرصوری، مزایای مهمی برای دانش پژوهان دارد ولی معتقد است که بینش‌های صوری اغلب قادر نیست شرایطی را برای همبستگی و انسجام منطقی گزاره‌ها بوجود آورد؛ ۳- مارتین استدلال می‌کند که رویکرد صوری بیشتر بازبینی دوباره در مطالعات امنیتی نیست چرا که ۱۳/۲ درصد مقالات به الگوهای صوری اختصاص داده شده است. بنابراین، نتیجه می‌گیرد که الگوهای صوری به‌طور گسترده در حال سیطره بر حوزه مطالعات امنیتی بین‌المللی است و این آثار صوری می‌تواند به نتایج دلسردکننده منجر شود.

مقاله بعدی درباره «بازگشت ماشین ستیز» است. امرسون نیو و پیتر اردشووک استدلال می‌کنند که اولاً بر خلاف والت اعتبار تجربی و نوآوری نظری غیرمنطقی و غیر منسجم و یا غیردقیق است چرا که این نظریه‌ها می‌توانند در ارزیابی مشکل ساز شوند. آنها استدلال می‌کنند که توجه صرف به نوآوری می‌تواند به پنهان‌کاری و نتایج غیرمستقیم و غیرمنطقی منتهی شود. دوم این که نیور و اردشووک استثنایی قائل می‌شوند و درباره این ادعای والت که رویکردهای صوری نمی‌توانند نظریه‌های اولیه و خلاق بوجود آورند، اظهار می‌دارند که انسجام منطقی ممکن است به مشارکت و مبادرت نظری در یک حوزه منجر شود. آنها این نکته که توسعه - الگوهای صوری می‌تواند روندی ابداعی و خلاق بوجود آورد و به پیشرفت نظری صحنه گذارد؛ ۳- طبق نظر نیو و اورشووک، والت در نشان دادن این که گزینه‌های رویکرد صوری نتوانسته به بینش‌های عمیق با آزمایش‌های تجربی سامانه‌مند و دیگر مفاهیم تبدیل شود. به خطا رفته است؛ ۴- نیو و اوردشووک استدلال می‌کنند که والت در فهم این که چگونه تحلیل صوری و تجربی تکمیل کننده هم هستند، ناتوان بوده است. بسیاری از کاربردهای صوری نظریه‌ای انتخاب عقلانی که شامل برخی مفاهیم والت است با هیچ آزمایش تجربی همراه نبوده است. در عوض دانشمندانی همچون شیلینگ ماولسون، وزیکر بورود، الگوها و بینش‌هایی از

نظریه‌های صوری ارائه داده‌اند و راهی را برای تئوری پردازی بیشتر باز گشوده‌اند. و سرانجام آنکه نیو و اورشوک بیان می‌دارند که والت روندهای توسعه صوری را به خوبی نفهمیده است. روبرد پاول در «ابتکار الگوی برای مطالعات امنیتی» از استفاده از الگوی صوری حول زمینه‌هایی که رویکرد فوق‌الذکر بوجود آورده، دفاع می‌کند. البته اظهار نظرهای گنگ و متناقض همراه با قواعد کمتر تجربی و جدی از ویژگی‌های مدل غیرصوری در مقاله پاول است. پاول در این چارچوب پاسخ‌هایی به والت ارائه می‌دهد.

۱- بسیاری از مباحث برجسته در مطالعات امنیتی معاصر هستند که نه آشکار و بدیهی‌اند و نه قابل نقل کردن. او می‌گوید تحلیل‌های غیرصوری اغلب فرضیه‌ها را حذف می‌کنند و ایجاد تحلیل را غیر ممکن می‌سازند و از پیش‌بینی اجتناب می‌کنند. تحلیل‌های صوری می‌توانند تفاوت بین مفاهیمی همچون ارزش نبرد، و توازن دفاع و تهاجم را مشخص سازند. چرا که زبان ریاضی از منظر پاول، اغلب آشکار کننده و کوتاه‌تر از زبان رایج انگلیسی است. پاول می‌گوید، آثار صوری اخیر نشان می‌دهند که بی‌نظمی بین‌المللی و نمونه‌های جهت دستاوردهای نسبی کاهش نیافته است و این مسائل می‌تواند به راحتی قابل تسری به الگوهای صوری باشند؛ ۲- پاول از والت به دلیل نقد الگو صوری از کارکرد و ایجاد بینش‌های اصلی و اولیه انتقاد می‌کند و معتقد است که کارکرد صوری با ارائه نشانه‌های قوی و با ارزش یک تفاوت مهم بین نشانه‌های متقدم و متأخر بوجود می‌آورند. پاول بیان می‌دارد که از تحلیل‌های غیرصوری مشهود مانند روبرت جرویس «منطق تصاویر در روابط بین‌الملل» نتایجی جالب بدست نیامده است. پاول پیشنهاد می‌کند والت برای ایجاد ایده نوین و بینش‌های ژرف با ترکیب نظریه اصلی و ریشه‌ای دست بزند. او بیان می‌دارد که رویکردهای صوری هیچ گونه انحصاری درباب گذشته ندارند. بلکه اغلب روند آینده را به عهده دارند؛ ۳- پاول به ادعای والت درباره کارکرد صوری اخیر که شامل آزمایش‌های بسیار کم تجربی است پاسخ می‌دهد. او استدلال می‌کند که برخی کتاب‌ها و مقالات اگر الگوها و یا نظریه‌های جدید را توضیح دهند نیازی به آزمایش‌های تجربی ندارند. مثلاً والتز در تئوری سیاست بین‌الملل می‌تواند مثالی برجسته در این زمینه باشد. پاول خاطر نشان می‌کند که گزاره قابل توجه و آثار صوری اخیر در مطالعات امنیتی شامل آزمایش تجربی می‌شود. او نتیجه‌گیری می‌کند که رویکردهای صوری اخیر به اهمیت مناظره‌های پس از جنگ سرد و درخصوص صلح دموکراتیک، منازعات قومی و نهادهای بین‌المللی توجه دارد.

در مقاله بعدی، فرانک زاگراس «کل جمود نه جدیت» (All Mortis No Rigor) به رویکرد والت به روش‌های رسمی خوشبینانه می‌نگرد ولی به جهت کنار گذاشتن قابلیت‌های الگوی صوری از او انتقاد می‌کند. او استدلال می‌کند که والت به سبب ادعا در باب گمراهی الگوهای



صوری به بیراهه رفته است. اگر تصمیم گیرندگان روندهای تصمیم گیری و یا نظریه انتخاب عقلانی را به کار نبردند، تصمیم‌هایشان با ضرر همراه خواهد شد. زاگراس، به نقد والت در باب بی‌نظمی و کم‌جلوه دادن رویکرد صوری پاسخ می‌دهد و آن را نتیجه تندروری روش‌شناسانه او تلقی می‌کند. زاگراس استدلال می‌کند که کار او متفاوت از نظریه بازدارندگی کلاسیک بویژه در اعتبار تهدید به مشابه یک متغیر است. او ادعا می‌کند که الگوهای صوری حتی اگر گزاره‌های خلاقانه ارائه ندهند، ارزشمند هستند چرا که این الگوها ساختار منطقی و استدلال‌هایی را ارائه می‌دهند و این که چطور فرضیه‌های متفاوت به نتایج متفاوت منجر می‌شوند. سرانجام زاگراس، ادعای والت در باب عدم کاربرد نظریه‌های صوری در خصوص هدایت و رهبری آزمایش‌های تجربی سامانه‌مند را رد می‌کند.

والت در مقاله‌ای تحت عنوان «عدم توافق مدل» به انتقادات وارده به خود پاسخ می‌دهد. او پاسخ‌هایش را به پنج دسته تقسیم می‌کند.

نخست والت به انتقاد کسانی که ادعا می‌کنند او انسجام منطقی و دقیق را کم ارزش جلوه می‌دهد، جواب می‌دهد. وی اعتقاد دارد که انسجام منطقی به‌طور فزاینده مهم است چرا که بازگوکننده و تنها معیار مناسب برای ارزیابی نظریه‌هاست. نظریه‌های نوین و خلاق زمانی ارزشمند است که با فرضیه‌های نامشخص و فقدان انسجام و مشکلات برخورد نکنند. والت استدلال می‌کند که صوری شدن تنها راه حل نیست بلکه به دقیق‌سازی به‌طور منطقی و بحث‌های منسجم بستگی دارد. اکثر آثار صوری از نظر والت به شناسایی و راه حل فقدان انسجام در نظریه‌های غیرصوری منجر شده است.

دوم، والت به بحث نوآوری الگوهای صوری اشاره می‌کند. او معتقد است که نمی‌توان ادعا کرد که ساخت الگوها نیازمند هیچ بینش ابتکاری نوین نیست؛ نوآوری از ضروریات هر الگوی می‌باشد ولی والت در عوض استدلال می‌کند که الگوی صوری به ندرت به‌طور تجربی به بینشی معتبر منجر شده است به ویژه در حوزه امنیت بین‌المللی. والت آثار بونو ماسکوتیا مورو، پاول را مورد کندوکاو قرار می‌دهد و استدلال می‌کند مقالات فوق ادعاهای نظری نوین کمتری ارائه می‌دهند و حتی برخی از آنها شامل الگوهای صوری نیز نیستند.

سوم، والت استدلال می‌کند که انتقادات او به‌طور جدی الگوهای صوری را با توجه به آزمایش‌ها و نتایج آنها به چالش نمی‌کشد. او یادآوری می‌کند که مقاله نوشته شده توسط ماسکوتیا به مثابه حمایت تجربی از نوعی «تله جنگ» (The war trap) است. والت می‌گوید: نیو اوردشووک از ایده آزمایش تجربی به‌طور کلی جلوگیری می‌کنند. او همچنین بیان می‌دارد استفاده از تعداد بیشتر آزمایش‌های تجربی در مطالعات امنیتی بین‌المللی طبق رویکرد غیر صوری می‌تواند مفیدتر باشد. چرا که والت معتقد است اگر مطالعات امنیتی توسط الگوهای

رسمی اشغال شوند، دانش پژوهان کمتری آن آزمایش‌ها را انجام می‌دهند، که در این صورت از ارزش کمتر برخوردار خواهند شد. چهارم، والت تکرار می‌کند که تحلیل‌های غیرصوری می‌تواند دانش سیاستگذاری مفیدتر از الگوهای صوری بوجود آورد. او به ادعای بونو و ماسکوتیا در باب استفاده دقیق از الگوی شان توسط کارگزاران جواب می‌دهد و معتقد است که الگوهای بونو و ماسکوتیا خیلی دقیق نیست و کارمندان بلندپایه CIA بارها گزارش داده‌اند که مدل ماسکوتیا اهمیتی برای سیاستگذاری ایالت متحده نداشته است.

پنجم، والت، بحث مارتین را که الگوهای صوری هنوز در مطالعات امنیتی حاکم نشده‌اند؛ رد می‌کند. والت از فقدان تکثر در روش‌شناسی و تعصب در مباحث مارتین به شدت انتقاد می‌کند. والت می‌گوید ادعاهایی مبتنی بر این که الگوهای صوری، موج آینده در مطالعات امنیتی و علوم سیاسی است را باید دست انداخت. او نتیجه می‌گیرد که حوزه مطالعات امنیتی باید تکثر فکری را به طور گسترده، با استقبال از همه رویکردها داشته باشد. چرا که تسلط کامل یک رویکرد باعث استحاله حوزه مطالعاتی امنیتی می‌شود.

### نقد و نظر

۱- در مقاله نخست که والت از تکثرگرایی در روش‌شناسی مطالعات امنیتی دفاع می‌کند، دقیقاً توضیح نداده که روش‌شناسی تفسیری و سازه‌انگاری چیست و چگونه می‌تواند در مطالعات امنیتی بکار رود. نویسندگان دیگر نیز هیچ‌گونه اشاره‌ای به روش‌های دیگر شناخت در مطالعات امنیتی نمی‌کنند و صرفاً بر کارکرد الگوهای رسمی به عنوان تنها راه موجود برای مطالعات امنیتی تاکید می‌نمایند.

۲- نقد دیگری که به این کتاب وارد است این که مقالات مزبور نتوانسته‌اند تصویری کلی از مناظره بین رویکردهای انتخاب عقلانی صوری و انتقادات وارده ارائه دهند و انتقادات آنها بیش از آنکه به مطالعات امنیتی بین‌المللی و نظم و پارادایم‌های علوم سیاسی مرتبط باشد به مسائل دیگری خارج از این حوزه می‌پردازند.

۳- مقالات مزبور نه تنها مسائل شناخت‌شناسی مثل استفاده از روش‌های تحلیل تاریخی و گفتمانی و حتی تحلیل جامعه‌شناسی را در مطالعات امنیتی توصیه نمی‌کنند بلکه الگوهای صوری را یگانه مرجع شناخت مطالعات امنیتی می‌دانند. امروزه مسائل بین‌المللی و روابط میان کشورها به صورت آشکار، به ذهنیات تصمیم‌گیرندگان، گفتمان‌های غالب بر حوزه تصمیم‌گیری، ساخت‌های اجتماعی و بین‌الذهانی مرتبط می‌شوند.

۴- مشاجرات و نقدهای والت و دیگران تنها رویکرد رفتارگرایی و تجربه‌گرایی در باب حوزه شناخت مطالعات امنیتی می‌باشد و دفاع از رفتارگرایی و تجربه‌گرایی ناب در این کتاب

به‌طور کلی پر رنگ و غالب است. امروزه همانگونه که خود والت بیان می‌کرد ما بایستی از نوعی تکثر شناختی در مطالعات امنیتی برخوردار باشیم.

۵- نقد مهم دیگری که به مدل رویکرد صوری وارد می‌شود، این است که مدل مزبور نمی‌تواند با زبان ریاضی گویای مسائل مهمی چون، مسائل تاریخی، هویتی، نقش هنجارها، ایده‌ها، فرهنگ و اخلاق که ربطی وثیق با مطالعات امنیتی و شیوه تصمیم‌گیری دارد، باشد. بدین معنا که رویکرد انتخاب عقلانی نمی‌تواند از کانال معادله‌های ریاضی، به مسائل اجتماعی و ساخت‌های اجتماعی بپردازد. همچنین ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم از عقلانیت محض و محاسبه‌گری مطلق در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و امنیتی برخوردار باشیم. امروزه عقلانیت و انتخاب عقلانی با بستری اجتماعی و در ساخت اجتماعی معنا می‌یابد.

در مجموع کتاب مورد بررسی با توجه به تمرکز ویژه که بر الگوهای رویکرد رسمی و انتقادات وارده به آن دارد، می‌تواند منبعی مفید برای مطالعه و بهره‌برداری پژوهشگران و علاقمندان به امور شناخت‌شناسی حوزه مطالعات بین‌المللی معاصر باشد، البته یادآوری این نکته اهمیت دارد که باید از نوعی تکثرگرایی روش‌شناسی در حوزه مطالعات امنیتی استفاده شود.